



پردیس: سلمان فارسی

عنوان: گزارش کارورزی ۱

مدرسه: دبستان معارف ۶

استاد راهنما: خانم میترا تقی پور

معلم راهنما: خانم محبوبه بهزادی

دانشجو معلم: نازنین نظری

رشته: آموزش ابتدایی

پاییز ۱۴۰۳



چکیده

در دوره کارورزی ۱ دانشجو معلم با همکاری استاد و معلم راهنما در زمینه حرفه معلمی تجربه هایی را کسب می کند. پژوهش حاضر، حاصل ۸ جلسه حضور در کلاس درس پایه چهارم و پنجم دبستان دخترانه معارف ۶ واقع در شیراز می باشد. هدف از این گزارش مشاهده تأملی و دقیق از فضای فیزیکی مدرسه، آموزش و روش ارزشیابی معلم، روابط عاطفی و تعاملات معلم با سایرین است و همچنین برداشت کلی و مسئله یابی. در این تحقیق در طول ترم از روش های مختلفی برای جمع آوری اطلاعات همچون مشاهده، مصاحبه، پرسش و پاسخ از دانش آموزان و مطالعه منابع استفاده شده است.

فهرست

مقدمه : ۵-۶

فصل ۱: گزارش فیزیکی ۷-۱۲

فصل ۲: گزارش ساختاری ۱۳-۱۸

فصل ۳: گزارش عاطفی ۱۹-۲۳

فصل ۴: موقعیت آموزشی: ۲۳-۳۴

فصل ۵: گزارش آزاد و روزانه ها ۳۵-۴۴

فصل ۶: نتیجه گیری و منابع ۴۵-۴۶

فصل ۷: مستندات ۴۷-۴۸

مقدمه

معلمان به عنوان یکی از عوامل مؤثر در جریان آموزشی، نقش مهمی در ایجاد تمدن ها و سرنوشت آینده هر جامعه دارند، زیرا یادگیرندگان از طریق تعامل با آن ها تجربیات، دانش، نگرش و ارزش ها را به دست می آورند. پس موضوع پرورش و پیشرفت حرفه ای معلمان یکی از اصول اساسی در بهبود آموزش است چراکه به دنبال آماده سازی معلم، نسلی تربیت میشود که به نیازهای آینده جامعه پاسخ خواهد داد. این امر به دلیل اهمیت زیاد نیاز به توجه بسیاری دارد و توسعه حرفه ای اصلی ترین نکته برای دستیابی به مهارتهای حرفه ای برای دانشجومعلمان است. (تقی زاده، ۱۴۰۰) این امر مهم در نظام تعلیم و تربیت بر عهده دانشگاه فرهنگیان به عنوان دانشگاهی مأموریت محور، قرار گرفته است تا بستر مناسب را فراهم کند و با بهره گیری از امکانات، شرایط الزامی برای توانمندسازی دانشجومعلمان برای ورود به این حرفه مهیا شود. دانشگاه فرهنگیان، به عنوان دانشگاهی نوپا، در تربیت، آماده سازی و توانمندسازی معلمان، متناسب با ارزش های اسلامی و نیازهای جامعه، برای ورود به عرصه تعلیم و تربیت در چشم انداز آینده، نقشی اساسی ایفا می کند. (علی محمدی، جبّاری، نیازآذری، ۱۳۹۸) یکی از مهمترین مواد درسی این دانشگاه توجه به کارورزی پیش از فارغ التحصیلی است که از نظر دانشجومعلمان، سودمندترین برنامه در میان برنامه ها محسوب می شود. در ایران با احیای تربیت معلم پس از تأسیس دانشگاه فرهنگیان، برنامه کارورزی با بازنگری اساسی همراه شد و سیاست گذاران و برنامه ریزان این

دانشگاه، تربیت معلم فکور را سرلوحه برنامه های خود به ویژه برنامه درسی کارورزی قرار دادند. توجه ویژه به برنامه کارورزی، بر صدر نشستن این برنامه درمیان انبوه برنامه های دانشگاه فرهنگیان و اتخاذ رویکرد تأملی برای آن در سال، ۱۳۹۲ نقطه عطف مهمی در تاریخ تربیت معلم ایران و رویدادی بسیار نویدبخش است. (ملکی و همکاران، ۱۴۰۰) در راستای توجه به رویکرد تأملی، در روایت پژوهی اولین دوره کارورزی، به دانشجویان تأکید زیادی به مشاهده تأملی می گردد. هدف از کارورزی در این دوره، آشنایی با فضای مدرسه، کلاس، ساختار فیزیکی، فضای واقعی آموزش و تدریس، مشاهده روش های تدریس معلمان توانمند و استفاده از تجربیات آنها و همچنین روابط متقابل کادر مدرسه با یکدیگر و با دانش آموزان و درنهایت یادگیری و یا نقد آن ها مطابق با معیارهای صحیح است.

فیزیکی

آموزشگاه معارف ۶ در نبش خیابان فضل آباد در نزدیکی ایستگاه مترو غدیر و جنب دبستان دولتی مبعث قرار گرفته است. مدرسه معارف ۶ یک مدرسه دو شیفته برای پایه‌های چهارم، پنجم و ششم است. شیفت پسران و دختران هر هفته در گردش است و تغییر می‌کند. این مدرسه یک در بزرگ سفید به همراه دو در کوچکتر در دو سمت آن دارد و بالای در مدرسه در یک دایره با حروف بزرگ نوشته شده است (آموزشگاه معارف ۶) داخل حیاط مدرسه در سمت چپ ۶ عدد صندلی چوبی در کنار دیوار گذاشته شده است. در کنار در کوچک سمت راست یک سطل زباله بزرگ به همراه چند کیسه زباله قرار دارد. روبروی صندلی‌ها درختان کوچکی کاشته شده است و روبروی هر کدام یک سطل زباله مجزا گذاشته شده است. سه عدد آب سرد کن در گوشه حیاط است که در سمت راستشان سرویس بهداشتی قرار گرفته است. روبروی سرویس بهداشتی یک آبخوری با ۱۰ عدد شیرآب وجود دارد. در سرتاسر حیاط مدرسه ۵ عدد پرچم به چشم می‌خورد. در کنار سرویس بهداشتی و در روبروی ساختمان مدرسه اتومبیل‌های معلمان پارک شده است. در نمای کلی ساختمان مدرسه ۳۶ تا پنجره وجود دارد. حیاط مدرسه خط کشی شده است و زمین فوتبال و بسکتبال دارد. دروازه زمین فوتبال تور ندارد و بچه‌های به آن آویزان شده اند و بارفیکس می‌زنند. دو دروازه در دو طرف حیاط قرار گرفته و دو عدد تور بسکتبال در وسط و کنار حیاط قرار دارد. روی زمین بازی‌های شش خانه و هشت خانه کشیده شده است. در بالای در

ورودی مدرسه جمله‌ی بسم الله الرحمن الرحيم با حروف بزرگ کاشی‌کاری شده است. ساختمان مدرسه از سه طبقه تشکیل شده است. در طبقه اول یا همان طبقه همکف ۴ تا کلاس پنجم ابتدایی به همراه اتاق بایگانی شماره ۱، نمازخانه، سرویس بهداشتی، اتاق تکثیر، اتاق معاون اجرایی، دفتر معاونین و.... وجود دارد. در طبقه دوم ۸ تا کلاس چهارم و پنجم ابتدایی، آزمایشگاه، ۲ تا اتاق بایگانی، اتاق پرورشی، اتاق مدیریت آموزشگاه قرار دارد. در طبقه سوم ۹ تا کلاس ششم ابتدایی و یک اتاق اداری وجود دارد.

مقابل در کلاس شماره ۲۱ (چهارم الف) در طبقه دوم ساختمان مدرسه ایستادم. بالای در کلاس نام خانم محبوبه بهزادی برای شیفت دختران و نام آقای جوکار برای شیفت پسران روی دو کاغذ مجزا نوشته شده بود.

وقتی وارد کلاس شدم در سمت راست و کنار در کلاس پریزهای برق وجود داشت و در کنار یکی از پنجره‌ها یک گلدان کوچک قرار داشت. ابعاد کلاس کوچک بود و دانش‌آموزان به صورت فشرده در کنار یکدیگر نشسته بودند. نیمکت‌های دانش‌آموزان در سه ردیف چیده شده بود که در هر ردیف ۲ الی ۳ دانش‌آموز نشسته بودند. پشت هر کدام از صندلی‌های بچه‌ها، نام کلاس چهارم الف به همراه شماره صندلی آن‌ها با فونت بزرگ نوشته شده بود. میز و صندلی معلم، تخته کلاس، سطل زباله، جارو و کمد کلاس روی سکویی قرار داشت که بالاتر از دیگر قسمت‌های کلاس بود. دو عدد شופاژ با فاصله‌ی حدوداً یک متر در سمت چپ کلاس و زیر پنجره‌های کلاس قرار گرفته بود. در کنار پنجره‌ای که مشرف به میز معلم بود، سه کاغذ روی دیوار چسبانده شده بود. کولر کلاس روشن بود و هوای کلاس را معتدل کرده بود. کمد چوبی قهوه‌ای رنگ کلاس در سمت راست در کلاس بود که یک سری کاغذ با عنوان قوانین کلاسی روی آن چسبانده شده بود. سطل زباله سفید رنگی که در نداشت به همراه جاروی دسته

بلند و خاکروبه روبروی کمد قرار گرفته بود. تخته وایت برد به همراه دوتا تخته پاک‌کن صورتی و زرد رنگ روی آن در وسط کلاس و روبروی دانش‌آموزان قرار داشت. پروژکتور در سقف کلاس و پرده نمایش در بالای تخته وایت برد نصب شده بود. صندلی قهوه‌ای رنگ معلم به همراه میز چوبی با رومیزی طرح سنتی در گوشه سمت چپ کلاس قرار داشت که روی میز یک بطری آب کوچک، دفاتر دانش‌آموزان، وسایل آزمایش علوم، لیوانی پر از مازیک، جامدادی، دفتر کلاسی معلم و یک جعبه عینک وجود داشت.

معلم کلاس یعنی خانم بهزادی شلوار و مقنعه طوسی رنگ به همراه کفش اسپرت مشکی پوشیده بود. فرم‌های بچه‌ها به رنگ بنفش تیره و مقنعه‌هایشان بنفش روشن بود. دانش‌آموزان همگی یک قمقمه آب روی نیمکت‌هایشان گذاشته و کیف‌هایشان را از کنار نیمکت آویزان کرده بودند. بعضی از بچه‌ها قمقمه‌هایشان را روی شوفر و بعضی از آن‌ها روی نیمکت و یا در کنار کیف‌هایشان گذاشته بودند. در قسمت بالای کلاس سمت راست یک دریچه کولر قرار داشت. کلاس دارای ۴ عدد لامپ و ۴ عدد مهتابی وجود داشت اما فقط لامپ‌ها روشن بود. در گوشه سمت چپ کلاس و در قسمت بالایی صندلی و میز معلم یک عدد کیس روی دیوار نصب شده بود. پشت سر معلم یک ماکت با پس زمینه کرم رنگ به همراه چند عدد توپ سفید-مشکی طراحی شده بود که روی هر یک از توپ‌ها، روزهای هفته به همراه برنامه کلاسی و درس‌های مربوط به هر روز از هفته نوشته شده بود. کلاس دارای دو پنجره بزرگ به همراه دو پرده گل‌بهی رنگ بود. هردوی پنجره‌ها باز بودند. پشت سر دانش‌آموزان و آخر کلاس دو عدد چوب لباسی با فاصله از هم روی دیوار نصب شده بود و دانش‌آموزان وسایل و لباس‌هایشان را آویزان کرده بودند. در فاصله‌ی بین دو چوب لباسی یک برد چوبی بزرگ بود که روی آن روزنامه دیواری و کاردستی‌هایی که دانش‌آموزان در رابطه با درس‌های مختلف تهیه کرده بودند، چسبانده شده بود که یکی از آن‌ها درباره یک شاعر

به نام پروین دولت آبادی به همراه آثار و زندگی نامه‌اش بود. در سمت راست کلاس روی دیوار، نقاشی‌های دانش‌آموزان با موضوع چهار فصل چسبانده شده بود. در کنار آن کاردستی ای با عنوان راهبردها و روش‌های حل مسئله به صورت دایره‌ای قرار داشت.

از پله‌ها بالا آمدم و وارد راهروی طبقه دوم ساختمان مدرسه شدم. در انتهای راهرو اتاق مدیریت آموزشگاه قرار داشت. در اتاق به رنگ قهوه‌ای سوخته بود. وارد اتاق که شدم روی یکی از صندلی‌ها نشستم. ۱۲ تا صندلی در کنار دیوار به ردیف چیده شده بود. جلوی هر یک از صندلی‌ها یک میز کوچک چوبی قرار گرفته بود. در وسط اتاق یک میز بزرگ قرار داشت که دور تا دور آن ۱۰ صندلی چیده شده بود. در کنار در یک تابلو با عنوان میثاق نامه نصب شده بود و در کنار آن پنجره بزرگی بود که پرده آن کرکره‌ای بود. پنجره رو به حیاط مدرسه بود و در پایین آن یک شوفاژ قرار داشت. در سمت راست پنجره یک چوب رختی به همراه یک آبسردکن کوچک قرار داشت که در بالای آن یک تابلوی قرآنی نصب شده بود و در سمت چپ پنجره، لوله گاز به همراه یک ساعت دیواری و کنترل برق روی دیوار قرار گرفته بود. در گوشه سمت راست اتاق یک عدد کمد بزرگ با درهای شیشه‌ای قرار گرفته بود که در طبقه اول آن کتاب‌هایی با عنوان‌های فرهنگ نامه علمی دانش‌آموزان، نهج‌البلاغه، تاریخ انبیا، فرهنگ فارسی معین، گنجینه‌های دانش و در طبقه دوم کتاب‌های تاریخی‌ای با عنوان ایران در زمان ساسانیان، حکومت گران کشورهای اسلامی و در طبقه سوم کتاب‌های کمک درسی و آموزشی دروس مختلف ابتدایی چیده شده بودند. در سمت دیگری از اتاق کمد دیگری وجود داشت که در طبقه اول آن دفاتر حضور و غیاب، پوشه کارهای معلمان و دفاتر روزانه سال‌های تحصیلی مختلف چیده شده بود. در طبقه دوم و سوم نیز پرونده‌های حراست، دفاتر ثبت نام دانش‌آموزان به همراه چند عدد کارتن کفش، دستمال کاغذی، یک کیبورد و یک اسپری خوشبو کننده هوا وجود داشت. در سمت دیگر اتاق و تقریباً

نزدیک در یک سطل زباله گذاشته شده بود و بالای آن یک آینه و دو قاب با عنوان‌های حکم قهرمانی و لوح سپاس روی دیوار نصب شده بود. روبروی میز وسط اتاق و بالای صندلی‌های کنار دیوار، یک برد چوبی نسبتاً بزرگ بود که روی آن برنامه نماز جماعت مدرسه، آموزش نماز به دانش‌آموزان، نقشه راه مدرسه و کاغذی با عنوان سخنی با همکاران عزیز چسبانده بودند. در ضلع دیگر اتاق یک مانیتور بزرگ در نزدیکی سقف اتاق قرار داشت که تصاویر دوربین‌های مداربسته مدرسه را به نمایش می‌گذاشت و در کنار آن بنر بزرگی با عنوان اهداف دوره ابتدایی وجود داشت. سه کمد بزرگ دیگر در کنار میز و صندلی مدیر مدرسه بود که در کمد اول جوایز مختلفی مثل عروسک، جامدادی، مداد، تراش، جوراب، جعبه‌های کوئیز نر، بسته‌های مداد رنگی، لیوان، سرسوییچی، ساعت رومیزی، ماشین حساب و... قرار داشت. در کمد دوم ابزار و وسایل آزمایش علوم مانند شیشه‌های آزمایشگاه، یک ماکت دندان، زمان سنج، مدارهای الکتریکی، دستکش یک بار مصرف و... وجود داشت و در کمد سوم تندیس افتخارات مدرسه و دانش‌آموزان با مقام‌های اول، دوم و سوم در مسابقات ورزشی همچنین تندیس جشنواره گلستان خوانی و لوح‌های یادبود مختلفی چیده شده بودند. در امتداد کمد‌ها صندلی و میز مدیر قرار گرفته بود که روی آن یک کامپیوتر، دستگاه کپی یا چاپ، پرچم ایران، تقویم و یک تلفن ثابت بود. در کنار صندلی یک کمد کوچک دارای سه کشو بود که پرونده‌های مختلفی در آن قرار داده بودند. در سمت راست میز مدیر مدرسه، میز معاون اجرایی مدرسه به همراه یک صندلی گذاشته بودند. برنامه آموزش هفتگی دبستان معارف ۶ را هم برای دختران و هم برای پسران به صورت جداگانه روی دیوار زده بودند و در کنار آن تابلوی بزرگی با عنوان مدیریت آموزش و پرورش ناحیه سه شیراز نصب شده بود که روی آن نام مدیر، معاونین و معلمان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم برای شیفت دختران و پسران به صورت نمودار نمایش داده شده بود. در یکی از

گوشه‌های دیوار در نزدیکی سقف اتاق، دوربین مداربسته قرار داشت. یک عدد سطل زباله کوچک دیگر در پایین میز مدیر گذاشته شده بود. بالای هر کدام از کمد های داخل اتاق، ماکت ها و کاردستی هایی که بچه ها ساخته بودند به چشم می خورد. روی میز وسط اتاق که مختص معلمان بود، ۳ عدد فلاسک بزرگ، سینی، قندان و تعدادی فنجان چای قرار داشت. یخچال کوچکی در کنار آبسردکن بود که دریاچه کولر در بالای آن قرار داشت. اتاق دارای ۶ عدد لامپ و ۶ عدد مهتابی بود.

برداشت : بهتر بود که روی دیوار های حیاط مدرسه تصاویر و نقاشی های کودکانه کشیده شود . قسمتی از حیاط چمن باشد یا کل حیاط. از وسایل ورزشی بیشتری در حیاط استفاده شود .تعداد سرویس بهداشتی ها بیشتر باشد .فضای کلاس ها خیلی کم بود و تعداد زیادی دانش آموز در یک کلاس کوچک بودند .اتاق معاونین هم خیلی کوچک بود .تعداد آبسرد کن ها خیلی کم بود .تعداد شופاژ ها کم بود .

گزارش ساختاری شرح وظایف معاونان و معلمان

شرح وظایف معاون آموزشی یا ناظم

- رسیدگی به برنامه انضباطی روزانه مثل پوشش و رفتار، تخلفات، و اختلافات بین دانش آموزان، تاخیر در ورود و خروج،...
- پاسخگویی به مراجعات حضوری یا تلفنی
- اداره دفتر مدرسه و رفع نیازهای مدرسه و کلاس ها
- تنظیم برنامه های ملاقات معلمان با اولیا
- برگزاری امتحانات و تدوین صورت جلسات امتحانی و همکاری در ثبت نمرات و اعلام نتایج امتحانات
- برگزاری مراسم صبحگاهی

- نظم کلاس هادر زمان تعیین شده و تشکیل کلاس ها
- کمک به نیروهای مدرسه
- نوشتن لیست دفتر حضور و غیاب کارکنان
- حضور در مدرسه حداقل نیم ساعت قبل از آغاز کار مدرسه
- اداره کلاس در غیاب معلم
- همکاری با دیگر معاونین مدرسه در انجام وظایف و همکاری با مدیر
- به عهده گرفتن وظایف کادر اداری مدرسه در غیاب آنها
- حضور در مدرسه به صورت تمام وقت و رسمی برای مواقع اضطراری در طول سال تحصیلی

شرح وظایف معاون پرورشی

- تهیه برنامه سالانه و تقویم اجرایی فعالیت پرورشی و تربیت بدنی در مدرسه
- نظارت بر اجرای اقامه نماز جماعت، فعالیت های قرانی
- نظارت بر اجرای شیوه نامه ، بخشنامه ها
- دستورالعمل های حوزه پرورشی و تربیت بدنی، سلامت و....
- نظارت بر حسن اجرای برنامه ها و فعالیتهای پرورشی و مراسم آغازین مدارس، مناسبت ها و ایام
- شناسایی دانش آموزان مستعد در زمینه های مختلف تربیت بدنی ، علمی ، فرهنگی و هنری
- نظارت بر تدریس دروس پرورشی باتوجه به بخشنامه

شرح وظایف معلمان

- اجرای برنامه های آموزشی مثل تدریس به موقع طبق جدول ساعات کار هفته
- انجام ارزشیابی های تشخیصی، تراکمی، پایان ترم
- برگزاری امتحانات شفاهی و عملی دانش آموزان
- تصحیح دقیق امتحانات دانش آموزان
- رسیدگی مستمر به تکالیف دانش آموزان و سعی در بهبود کار آنان
- تبادل نظر با معلمان و مشاوران راهنما و شرکت در شوراهای آموزشی
- همکاری و تبادل نظر با اولیا دانش آموزان

- ثبت خلاصه ای از آزمایشهای انجام شده و نتایج آن توسط دانش آموزان یا معلم
- شرکت فعال در جلسات شورای معلمان و اظهار نظر و ارائه پیشنهادها
- حضور به موقع در مدرسه در جریان برگزاری امتحانات
- رسیدگی مرتب به حضور و غیاب دانش آموزان
- ورود به کلاس قبل از دانش آموزان و خروج بعد از آنان
- حضور در جلسات برگزاری امتحانات داخلی و نهایی به عنوان مراقب
- همکاری در تشکیل و نظم پرونده های تحصیلی دانش آموز
- ثبت نمرات امتحانی در لیست معلم و تحویل به موقع به مدیر مدرسه پس از امضا در این بخش معاون پرونده پرسنل را به ما نشان داد که شامل : نام و نام خانوادگی ، کدملی، رشته ، آدرس ، کپی تمام صفحات شناسنامه ، کپی کارت ملی و حکم کارگزینی بود .

پرونده دانش آموزان : شامل فرم تطبیق کلاس اول (مدیر یا معاون این فرم را با اصل شناسنامه تطبیق داده که سن مناسبی داشته باشد دانش آموز) ، کپی شناسنامه، عکس، سنجش کلاس اول و نتیجه سنجش (وزن و قد و راا رفتن و....) ، کپی شناسنامه و کارت ملی پدر و مادر، برگه مشخصات خانوادگی ، آدرس ، شماره تلفن ، پرسشنامه سلامت هرسال ، مدارک کارنامه تحصیلی تمام مقاطع تحصیلی ببا مهر و امضا، کارنامه تمام پایه ها ، کارت مراقبت و کارت واکسن که حتما باید در پرونده باشد .

برداشت کلی: معاونان این مدرسه متأسفانه همکاری خوبی با ما نداشتند و مشغله کاری زیادی داشتند و پیوسته در گیر کار خود بودند .چند مرتبه مراجعه کردیم ک به سوالات ما پاسخ دهند و ما را راهنمایی کنند اما متأسفانه همکاری درستی نکردند.

گزارش عاطفی

رابطه متقابل مدیر با معلمان

روابط معلمان با مدیر کاملاً یک رابطه رسمی و اداری بود و صمیمیتی در آن مشاهده نمی شد. مافوق بودن مدیر بر معلم از لحاظ اداری بر روابط مدیر با معلمان تأثیر گذاشته بود. مدیر در وقت اداری کاملاً پشت میز بود و وظایف خود را انجام می داد و جز در موارد ملزوم از سخن گفتن با دیگر معلمان اجتناب میکرد اما در هر صورت به عنوان یک معلم برای معلمان احترام قائل بود و در مقابل از احترام متقابل معلمان بر خوردار بود. در چند جلسه کارورزی متوجه این نکته شدم که معلمان رفتاری کاملاً موقر و متین و شایسته با مدیر دارند به تمامی سخنان مدیر گوش داده و از سر پیچی از دستورات ایشان دوری می کردند. در مدرسه زیاد شاهد هیچ انتقادی از مدیر نبودم. و کلاً رابطه صمیمی زیادی باهم نداشتند.

رابطه متقابل مدیر مدرسه با دانش آموزان

مدیر مدرسه چندان تعاملی با دانش آموزان نداشت و دانش آموزان نیز با مدیر مدرسه ارتباط کمی داشتند. اما مدیر در برخورد با دانش آموزان نهایت لطف و مهربانی را از خود نشان می داد. همچنین در صورت وجود مشکل در خانواده مدیر به دلداری و رفع مشکلات دانش آموزان می پرداخت. دانش آموزان از مدیر حساب می بردند و به ایشان احترام می گذاشتند.

روابط متقابل مدیر با معاونان مدرسه

مدیر با معاونان رابطه خیلی خوبی داشت مخصوصاً معاونانی که با آنها در یک اتاق بودند. همدیگر را به اسم کوچک صدا می‌زدند و در باره هر موضوعی چه آموزشی و اداری و.... صحبت می‌کردند. در حین رابطه صمیمی که با هم داشتند احترام یکدیگر را حفظ می‌کردند و رابطه بین آنها رسمیت کمی داشت. بایکدیگر صبحانه می‌خوردند. چای می‌خوردند و مدیر از معاونین در انجام کارها کمک می‌گرفت. با خوشرویی و لبخند بایکدیگر حرف می‌زدند.

روابط متقابل معلمان با یکدیگر

در روابط آنها احترام به هم، مهربانی و صمیمیت زیادی وجود داشت. در مدرسه معلمان با یکدیگر صمیمی بودند و روش‌های اجرا و تدریس‌هایی که منجر به یادگیری بهتر می‌شد را مورد بررسی قرار می‌دادند. و در مورد مشکلات دانش‌آموزان در یادگیری و.... صحبت می‌کردند.

فضای آموزشی باید به دوراز هرگونه کینه و دشمنی و زشتی باشد ک این گونه هم بود چون محیط مدرسه، محیط اجتماعی کوچکی است. و مدرسه تاثیر بسیاری روی دانش‌آموزان دارد.

روابط متقابل معلم با دانش آموزان

معلم برای ایجاد انگیزه یادگیری و فضای مثبت و سازنده در کلاس از روش تشویق بسیار استفاده میکرد اما هرگز دانش آموزان را به خاطر ضعف در یادگیری مورد تنبیه قرار نداد. همچنین معلم از پاداش هایی نیز برای یادگیری بهتر استفاده می کرد.

تقریباً در مابین تمامی تدریس هایشان نکات اخلاقی و تربیتی را با مهربانی به دانش آموزان گوشزد می کردند.

بامهربانی و دلسوزی سعی میکرد مشکلات دانش آموزان را حل کند. به نظریات و سخنان دانش آموزان چه در هنگام تدریس و چه در هنگام غیر تدریس خوب گوش می دادند. سخن شان را در وسط کلام شان قطع نمی کردند. همواره سعی میکردند که به تک تک دانش آموزان مسئولیت دهند. این کار باعث افزایش حس اعتماد به نفس دانش آموز می شود. در مقابل رفتار های معلم، دانش آموزان نیز به معلم احترام می گذاشتند و ایشان را بسیار دوست داشتند. درعین حال اکثر دانش آموزان انگیزه یادگیری بالایی داشتند. و سعی داشتند در کلاس یادگیری و حضور فعال داشته باشند. بسیار مودب بودند و هرگز به معلم خود بی احترامی نمی کردند. تمامی حدود و مرز های یک رابطه سالم و صمیمی مراعات می شد. خصوصاً از طرف معلم.

روابط متقابل دانش آموزان با یکدیگر

دانش آموزان طبیعتاً مانند دیگر مدارس باهم روابط دوستانه و صمیمی ای دارند. این رابطه در دانش آموزان هم کلاسی و هم پایه بیشتر به چشم می خورد. در امور درسی بهم دیگر کمک میکردند و اگر چیزی لازم داشتند از یکدیگر قرض می گرفتند. کتاب کار های خود را در اختیار هم قرار می دادند . تغذیه هایشان را با یکدیگر تقسیم می کردند. زمان استراحتی که معلم به آنها میداد بایکدیگر بازی می کردند و با لحنی صمیمی با یکدیگر صحبت می کردند. همدیگر را در آغوش می گرفتند و کلاً رابطه صمیمانه بدون هیچ رسمیتی بایکدیگر داشتند.

برداشت : به نظرم روش برخورد و تعامل معلم راهنمای من با کادر مدرسه و سایر معلمان با احترام و صمیمیت بود . شاید تا حدودی هماهنگ درس دادن معلمان همپایه خوب باشد ولی این که همه معلمان مانند یکدیگر عمل کنند در این صورت تفاوتی بین معلم فعال و منفعل نیست . در کل روابط صمیمانه ای بین کادر مدرسه و دانش آموزان بود.

مسئله یابی : این مدرسه مشاور نداشت که مشکلات دانش آموزان را پیگیری کند . همچنین رابطه مدیر با معلمان و دانش آموزان بهتر بود ک صمیمی تر باشد

روش تدریس

من روز های سشنبه کارورزی میرفتم که برنامه کلاسی این روز به این صورت بود،
ورزش /قرآن /ریاضی /فارسی /علوم

ورزش:

در جلسه اول، دانش آموزان به صورت ۶صف ۵نفره ایستادند، معلم در جلوی آنها ایستاده و شروع به نرمش کرد و تمامی نرمش ها را خود معلم ارائه داد و سپس قرار شد نفر اول همان صف ها تا جایی که معلم تعیین می کند، پابوکس یا لیلی بروند و موقع برگشت بدونند و ب همین ترتیب برای نفرات بعدی. افرادی که نوبت خود را گذرانده بودند دوستانشان را تشویق میکردند. در جلسه بعد، بعد از نرمش به شکل جلسه قبل، ورزش آزاد با وسایل ورزشی بود که تعدادی مشغول راه رفتن در حیاط شدند و تعدادی سرگرم بازی که در این بین برای آموزش بازی و بازدهی بهتر من هم به بچه ها پیوستم. در جلسات بعدی ورزش، بازیهای تلفیقی با سایر دروس انجام شد. مثال در یک جلسه دانش آموزان گروه بندی شدند و از هر گروه یک نفر انتخاب شد که پای تخته با چشم بسته نقاشی بکشد. و بعد از آن بازی اسم و فامیل به صورت گروهی به این شکل که معلم یک حرف را انتخاب می کند و یک گروه را انتخاب می کند تا با همکاری یک دیگر پاسخ دهند و معلم یادداشت کند و در آخر طبق امتیازات گروه برنده مشخص شود. در یک جلسه، قرار شد هر دانش آموز ۲کلمه از کلمات کتاب

فارسی بگوید و معلم روی تخته بنویسد، سپس دو نفر دونفر پای تخته بروند، معلم یک کلمه را بگوید سریع دانش آموزان آن را پیدا کنند و به سمت آن توپ پرتاب کنند. معیار هم سرعت است و هم دقت در پرتاب. جلسه بعد، به هر ردیف یک برگه داده شد تا هر نیمکت یک نقاشی روی آن بکشد و برگه را به نیمکت بعدی تحویل بدهد، معیار خالقیت، سرعت، دقت و زیبایی است.

در یکی از سشنبه های آذرماه هم که قرار بر ماندن در کلاس بود، معلم کلماتی را روی تخته نوشت: ۱) (چرخیدن) ۲) (بشین پاشو) ۳) (دو قدم به جلو) ۴) (پریدن) ۵) (لی لی رفتن). دانش آموزان به صورت داوطلب به همراه کتاب فارسی به جلوی کلاس می آمدند و شروع به خواندن می کردند. البته قبل از آمدن باید هر حرکت را با شماره آن به ذهن می سپردند و هنگامی که معلم شماره می گفت باید حرکت مربوطه را انجام داده و به خواندن خود ادامه می دادند، که در آخر به گروه ها ستاره داده شد.

قرآن:

معلم برای آموزش هر درس جدید، خود یک یا دومرتبه از روی درس می خواند و یا برای خواندن عبارات از دانش آموزان می خواهد بعد از او تکرار کنند و در این مورد معلم تأکید به استفاده از نشانگر، طلق یا داشتن وضو دارد. مطالبی که قرار بود حفظ کنند را از همه می پرسید مثل تشهد، ذکر قیام، پیام های قرآنی و... یا پرسش نفر به نفر روخوانی قرآن که در صورت خوانش اشتباه، معلم آن را درست میکرد. بعضی

روزها، اولین زنگ بعد از ورود به کلاس ، به صورت همگانی آیه‌الکرسی می‌خواندند. اگر در قرآن داستانی وجود داشت بچه ها باید درباره آن تحقیق کنند و جلوی کلاس بخوانند مثل تحقیق درباره قوم سبا یا سوره انسان . در صورت وجود تمرین، معلم پاسخ صحیح را میگفت . برای توضیح قواعد قرآنی هم به شیوه سخنرانی و نوشتن روی تخته پیش می رفت . در درس آموزش تشدید هم معلم با خواندن از روی کلمات از بچه ها خواست هنگام تکرار به صورت بخش خوانی روی میز بزنند .

ریاضی:

من در مواقعی که در کلاس بودم، معلم جلسات قبلی درس جدید را آموزش داده بود و من اکثر اوقات شاهد حل تمرین ها بودم، که در این صورت معمولاً معلم با رسم شکل یا جدول به حل تمرین ها می پرداخت و گاهی از روش پرسش و پاسخنامه استفاده می کرد. در صورتی که دانش آموز پاسخ درست را می گفت از او می خواست تا تکرار کند و بقیه در صورت اشتباه نوشتن، آن را تصحیح کنند و یا معلم روی تخته مینوشت تا بقیه جواب خود را با تخته چک کنند. اگر هم دانش آموزی جلسه قبل غایب بوده معلم ابتدا درس را مرور می کند. در یک جلسه که تمامی کلاس به یادگیری عدد هزار رسیده بودند با هماهنگی قرار بود برای تمامی کلاس ها جشن ۱۰۰۰ برگزار شود پس صبح معلم بعد از ورود به کلاس ، داستان عدد ۱۰۰۰ را تعریف کرد و سپس برای رفتن به جشن آماده شدند و بعد از جشن و بازگشت به کلاس، قرار شد دانش آموزان عددهای ۴رقمی دلخواه روی بادکنک های خود نوشته و سعی کنند که آن را بخوانند.

بعضی مواقع برای آشنایی بچه ها، مثل آشنایی با شاقول یا متر ساختمانی قرار می‌شد کسی اگر می‌تواند با خود به مدرسه بیاورد تا بقیه ببینند. برای یادگیری تبدیل کیلومتر و متر هم شعر معلم به دانش آموزان شعری را یاد داد. در قسمت یادگیری تخمین اعداد، معلم اعداد را از ۱۰۰۰، ۱۰۰ تا ۱۰۰ تا روی تخته چسباند و سپس اعدادی را به دلخواه نوشت تا دانش آموزان به انتخاب معلم آمده و مشخص کنند هر عدد به کدام نزدیک تر است و اگر دانش آموزی پاسخ اشتباه میداد یک دانش آموز دیگر انتخاب می شد تا پاسخش را تصحیح کند.

فارسی:

من در تمام مدت حضور در کلاس شاهد تدریس درس جدید نبودم ولی تا جایی که اطلاع دارم دانش آموزان باید روز قبل از تدریس از روی درس پیش خوانی کنند و سپس در روز آموزش، اول معلم و بعد از او هم چند نفر دیگر از روی درس می خوانند و معلم خلاصه و مفهوم درس را به صورت گذرا از دانش آموزان می پرسد. بعد از تدریس هم باید بچه ها در خانه برای والدین خود بخوانند و آن ها امضا کنند و معلم هنگام پرسش کتاب را چک می کند و بعد به تمرین های درس پاسخ داده و برای عکس ها به دانش آموزان فرصت داده می شود تا نگاه بیندازند و استنباط خود را بیان کنند. بچه ها تمرین های کتاب نگارش خود را در خانه تکمیل می کنند و در کلاس معلم با پرسش و پاسخ جواب صحیح را به دانش آموزان می گوید که من بیشتر از دو مورد

مشاهده ای در این قسمت نداشتیم که به امضا و نوشتن بازخورد برای کتب نگارش پرداختیم.

علوم:

معلم به انجام تحقیقات کتاب اهمیت زیادی میداد به طور مثال دانش آموزان باید با توجه به عکس های کتاب تحقیق انجام می دادند تا بفهمند اسم گاز شهری چیست، یا انواع ابرها را بشناسند و با ویژگی های آن ها آشنا شوند و یا درباره چرخه آب تحقیق کنند. در تدریس درس تبدیل مواد، معلم از دانش آموزان برای نشان دادن مدل مواد جامد، مایع و گاز استفاده کرد و سپس با توضیح ویژگی هر کدام نام هر ماده را گفت و با رسم شکل روی تخته به توضیح بیشتر پرداخت. برای انجام آزمایشها، معمولاً دانش آموزان از روی متن آزمایش می خوانند و معلم آن را انجام می دهد و با پرسش و پاسخ از بچه ها می خواهد نتیجه آنچه را که فهمیده اند بیان کنند و معلم جمع بندی می کند تا بقیه خواند. یادداشت کنند و یا جواب سوالات آزمایش را از روی دروس بخوانند.

به نظرم معلم از وسایل و بسته های آموزشی و کمک آموزشی کمترین استفاده را می برد و بیشتر بر پایه سخنرانی و پرسش و پاسخ پیش می رفت که موجب می شود یادگیری دانش آموزان به صورت سطحی باشد و فهم مطالب به صورت عمیق صورت نگرفته و فقط توانایی حل مسائل دانشی را داشته باشند زیرا معلم تمرکز خود را روی

حفظ مطالب می گذارد و حتی دانش آموزانی را که متن درس کتاب فارسی را حفظ میکنند تشویق می کرد و این مورد باعث می شود بقیه این دیدگاه برایشان ایجاد شود که حفظ درس ارزش است و اگر کسی این کار را انجام ندهد در نظر معلم از جایگاه پایین تری برخوردار است .

برداشت: به نظرم معلم از وسایل آموزشی و کمک آموزشی کمترین استفاده را می کرد. و بیشتر بر پایه سخنرانی و پرسش و پاسخ پیش می رفت که موجب می شود یادگیری دانش آموزان به صورت سطحی باشد و فهم مطالب به صورت عمیق صورت نگرفته و دانش آموزان فقط متن درس را حفظ می کردند. و معلم آن ها را تشویق می کرد و این مورد باعث می شود سایرین این دیدگاه برایشان ایجاد شود که حفظ درس مهم است و اگر کسی این کار را انجام ندهد در نظر معلم بی ارزش است.

دانش آموزان به صورت گروهی کار می کردند و تشویق می شدند ولی اینکه اگر یک نفر به صورت انفرادی فعالیتی را انجام دهد و معلم برای کل گروه امتیاز قائل شود درست نیست چون هم آن گروه بدون هیچ زحمتی امتیاز گرفته اند، هم سایر گروه ها ممکن است دانش آموز فعالی نداشته باشند و سریع بتوانند امتیاز بگیرند و حس سرخوردگی کنند

مسئله یابی : استفاده از روش های متفاوت و جذاب برای تدریس . مشارکت بیشتر دانش آموزان در تدریس .

معلم با نگاه کردن مستقیم به دانش آموزی که سر و صدا میکرد توجه او را جلب و باعث می‌شد که او ساکت شود. یا اگر کلاس شلوغ بود، جلو تابلو می ایستاد و سکوت میکرد و فقط به بچه ها نگاه میکرد. چند دقیقه بعد همه متوجه معلم میشدند و سکوت را رعایت میکردند. معلم گاهی اوقات تن صدایش را بالا می‌برد تا حواس دانش آموزانی که سر کلاس نیستند به معلم جلب شود.

گاهی آن‌ها را تهدید میکرد که اگر ساکت نباشند اسم آنها را به مدیر اعلام میکند تا مدیر با آنها برخورد کند. گاهی با کم کردن نمره آنها را به سکوت دعوت میکرد که اگر حرف بزنند و کلاس را شلوغ کنند در دفتر کلاسی از آنها نمره کم می‌شود. یا با تاکید بر روی یک دانش آموز منظم و ساکت که به درس گوش می‌دهد توجه بقیه را به درس جلب میکرد. (مثلا آفرین به فاطمه خانم که ساکت نشسته و به درس گوش میداد تا خوب یاد بگیرد). اگر یکی از دانش آموزان تکالیفش را انجام نداده بود از او علت آنرا می‌پرسید و در صورت تکرار یا دلیل غیر موجه او را با نوشتن تکالیف دیگر تنبیه میکرد. اگر یکی از دانش آموزان فعالیت‌ها را به درستی انجام می‌داد. کارت آفرین می‌گرفت و تعداد کارت‌ها اگر به ۱۰ عدد می‌رسید از کمد جایزه‌ها، جایزه ای برمی‌داشت. معلم از دانش آموزان می‌خواست تا دوستشان که فعالیت را انجام داده مورد تشویق قرار گیرد. بیشترین شیوه تشویق معلم به صورت کلامی بود که از الفاظ آفرین، احسنت، عالی بود، صدآفرین دختر گلم و... استفاده میکرد. نوع نگاه معلم به دانش آموز که نگاه مهربانی با لبخند بود نیز به نظرم نوعی تشکر و قدردانی معلم از دانش آموز محسوب می‌شد.

اگر دفتر تکلیف دانش آموزان تمیز و مرتب بود و تکالیف را درست و به موقع انجام داده بودند . معلم با یک امضا و متنی که در آن قسمت مینوشت آن ها را تشویق می کرد.

برداشت: دانش آموزان فقط متن درس را حفظ می کردند. و معلم از آنها سوال می پرسید و آن ها را تشویق می کرد و این مورد باعث می شود سایرین این دیدگاه برایشان ایجاد شود که حفظ درس مهم است و اگر کسی این کار را انجام ندهد در نظر معلم بی ارزش است که بهتر بود این گونه نباشد ولی چون از روش های متفاوتی برای تشویق و تنبیه استفاده میکرد خوب بود.

مسئله یابی : یک روش جایگزین برای تهدید کردن دانش آموزان توسط معلم پیدا شود . از انجام تکالیف زیاد برای تنبیه صرف نظر شود

روش های ارزشیابی معلم

قرآن: جهت تمرین و یادگیری آیه‌الکرسی اغلب معلم بعد از ورود به کلاس با بچه ها آن را یک مرتبه می خواندند و سپس درس را شروع می کنند. در این درس بعد از تدریس و تمرین دانش آموزان در خانه، معلم روخوانی قرآن و یا پیام های قرآنی را معمولا از همه می پرسد و در دفتر خود علامت می گذشت و در حین خواندن چنانچه دانش آموزی اشتباه کند، معلم خود، اشتباهش را تصحیح می کرد. معلم یک برگه به همه دانش آموزان تحویل داده که شامل طرح قرآن خوانی و تمرین ۳۰ روزه است که اسم برگه ها را گلبرگ های قرآنی نامگذاری کرده بود. بچه ها باید هر روز قرآن را برای والدین بخوانند و سپس والدین تاریخ آن روز را امضا کنند و هر جلسه قرآن شاگردان گلبرگ امضا شده خود را به معلم نشان می دادند. یک جلسه که معلم آزمونک قرآن گرفت روز قبل به بچه ها اطلاع داده بود و قبل برگزاری آن، تشهد، سلام و درباره نماز سوالاتی را پرسید سپس قرار شد دانش آموزان روی نیمکت ها کیف بگذارند و هرچه میدانند بنویسند.

ریاضی: در این درس بیشتر من پرسش و پاسخ معلم را دیدم که برای حل تمرین ها از دانش آموزان سوال می پرسید و همانطور که در قسمت روش تدریس ریاضی توضیح دادم مثلا معلم بعد از توضیح درس تخمین، اعداد را روی برگه نوشته و به تابلو چسباند و ارزشیابی تکوینی انجام داد و یا مسئله های کتاب را روی تابلو می نوشت تا بقیه حل کنند و تمرین هایی ک بچه ها در خانه انجام داده بودند را چک میکرد و یک فرصت کوتاه به انها میداد تا فعالیت ها و کار در کلاس را انجام دهند بعد به صورت داوطلب یا

انتخابی پای تابلو می‌رفتند و سوال‌ها را خل می‌کردند و معلم در دفتر کلاسی یادداشت می‌کرد.

فارسی: در این درس، معلم بعد از اینکه کتاب‌ها را چک می‌کرد که به سوالات پاسخ داده باشند، به پرسش‌روخوانی می‌پرداخت که تقریباً از همه دانش‌آموزان ارزیابی انجام می‌شد و در دفتر خود علامت‌گذاری می‌کرد همین روش برای پرسش لغات هم استفاده می‌شد. بعد به ادامه تدریس می‌پرداخت.

در یک جلسه دانش‌آموزان با خود سفره یک بار مصرف آورده بودند و معلم توضیح داد هر نیمکت باید ابتدا کلمات مهم املائی و سپس بقیه کلمات را با ماژیک روی آن بنویسند و معیار سرعت عمل، خوش خطی و خوانا بودن و تعداد کلمات بود. در یک جلسه هم دانش‌آموزان پای تخته می‌رفتند و معلم به آنها کلمات و جملاتی می‌گفت و می‌نوشتند. نفر بعدی می‌رفت و املائی دوستش را تصحیح می‌کرد. همچنین معلم از آنها می‌خواست که والدین در خانه به آنها املا بگویند و امضا کنند و سرگروه‌ها هر جلسه این تکلیف را چک می‌کردند.

علوم: معلم برای این درس، یک جزوه نمونه سوال برای دانش‌آموزان ارسال کرده بود که بعضی آن را چاپ کرده بودند و معلم جزوه یک نفر را گرفته و از روی آن سوال می‌پرسید و یا از روی کتاب می‌خواند و جواب سوالات داخل کتاب را با پرسش و پاسخ از بچه‌ها می‌داد و قسمتهای مهم را می‌خواند تا بقیه هایلایت کنند. ایشان از قسمتی که دانش‌آموزان تحقیق انجام داده بودند هم سوال می‌پرسید و حتی گاهی با پرسش از این موارد برای دانش‌آموزان نمره هم می‌گذاشت. دانش‌آموزان به صورت گروهی

آزمایش ها را انجام می دادند که بعد از انجام آزمایش به یک سری سوال جواب می دادند و یک نفر به عنوان نماینده هر گروه پاسخ سوال ها را می خواند و اگر درست بود معلم به اعضای هر گروه مثبت میداد. اگر هم قرار بود امتحان گرفته شود معلم از قبل اطلاع میداد تا بچه ها با آمادگی کامل حاضر شوند

برداشت: دانش آموزان فقط متن درس را حفظ می کردند. و معلم از آنها سوال می پرسید و آن ها را تشویق می کرد و این مورد باعث می شود سایرین این دیدگاه برایشان ایجاد شود که حفظ درس مهم است و اگر کسی این کار را انجام ندهد در نظر معلم بی ارزش است که بهتر بود این گونه نباشد و یادگیری سطحی نشود .

مسئله یابی : معلم برای درس علوم جزه سوالاتی از قبل آماده کرده بود ک بهتر بود به این شکل نباشد . یک یا دونفر از اعضا گروه به سوالات پاسخ میداد و بقیه منفعل بودند ولی تمام اعضا گروه نمره می گرفتند

طرح درس

معلم بعد از آمدن به کلاس و نگاه کردن به برنامه کلاسی، موضوع آن جلسه را بیان میکرد و دانش آموزان آمادگی کامل نداشتند. بیشتر زنگ ها را به تدریس ریاضی می پرداخت و گاهی هم علوم. درس های دیگر به ندرت تدریس و یا ارزشیابی میشدند. معلم از قبل پیش بینی برای تدریس نداشت و گاهی هنگام تدریس ابزار لازم را در اختیار نداشت. و می توانست از ابزارهای آموزشی متنوع استفاده کند ولی خیلی کم از ابزار استفاده میکرد. معلم خیلی کم به رفتار ورودی دانش آموزان توجه میکرد و قبل از شروع درس به ندرت ارزشیابی آغازین انجام میداد. معلم می دانست که درس قبلی تا کجا بوده و امروز چه مبحثی باید تدریس شود. ارزشیابی پایانی تا حدودی مناسب بود و اغلب به صورت شفاهی از کل کلاس ارزشیابی میشد.

گزارش آزاد

امروز سشنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۳ اولین روز کارورزی من بود ساعت ۶:۳۰ دقیقه با صدای زنگ موبایلم بیدار شدم و بعد از شستن دست و صورتم به اتاق برگشتم و مانتو و شلوار اداری ام ک ب رنگ مشکی بود و روز قبل اتو زده بودم را پوشیدم و به سلف دانشگاه رفتم و صبحانه خوردم صبحانه آن روز تخم مرغ آب پز بود.

بعد از آن به همراه سه نفر دیگر از دوستانم ک هم اتاقی بودیم و در یک مدرسه کارورزی داشتیم به سمت حیاط دانشگاه رفتیم بعد از پیدا کردن لوکیشن مدرسه و گرفتن اسنپ به سمت ۱ تاق نگهبان دانشگاه رفتیم تا در دفتر ورود و خروج اسم هایمان را ثبت کنیم ساعت ۷:۴۵ دقیقه از دانشگاه خارج شدیم و با اسنپ به سمت مدرسه رفتیم . داخل اسنپ به خیابان شلوغ و درختان سرسبز نگاه میکردم سرویس های مدرسه ای ک پر بود از دختران و پسران کوچک که دانش آموز بودند و به سمت مدرسه شان میرفتند. مدرسه ای ک برای کارورزی انتخاب کرده بودیم مدرسه معارف ۶ در بلوار مدرس کوچه فضل اباد، ک دوشیفت پسرانه و دخترانه داشت و از شانس خوب ما شیفت ما دخترانه بود چون من معتقدم کار با پسر ها خیلی سخت است آنها شیطنت بسیار زیادی دارند و بازیگوشی می کنند. مسیر دانشگاه تا مدرسه مسیری کوتاه بود در عرض ۱۰ دقیقه و حتی کمتر به مدرسه رسیدیم .از اسنپ ک پیاده شدم چشمم به در سفید رنگ مدرسه افتاد و اسم مدرسه ک آن بالا با خط درشتی نوشته شده بود.وارد حیاط مدرسه ک شدم تازه متوجه شدم ک این مدرسه بسیار بزرگ است به طوری ک بچه ها داخل حیاط میتوانند هر ورزشی ک خواستند را انجام دهند .وارد سالن مدرسه شدم روبروی در سالن اتاق معاونین بود و سمت چپ اتاق مدیر .به سمت

اتاق مدیر رفتم و معرفی نامه خودم را به ایشان تحویل دادم. مدیر مدرسه خانم پارسایی مرا به یکی از معاون ها معرفی کرد و از ایشان خواست تا مرا به یکی از کلاسها ببرند. من به همراه ایشان از پله ها بالا رفتیم و به طبقه دوم رسیدیم تا به خودم بیایم جلوی کلاسی با در سبز رنگ ایستاده بودم ک بالای در روی کاغذی نوشته شده بود کلاس چهارم ۴، معاون تقه ای ب در زد و در کلاس را باز کرد و به معلم اطلاع داد ک کارورزی آمده آیا در کلاس صندلی خالی وجود دارد؟ معلم با خوشرویی جواب داد بله بفرمایید من ک تا آن لحظه پشت در ایستاده بودم وارد شدم با معلم سلام و علیک کردم و معلم مرا به بچه ها معرفی کرد و راهنمایی ام کرد تا بنشینم. آخر کلاس دو صندلی کوچک قرار داشت ک خالی بود رفتم و آنجا نشستم. بچه ها به تعجب با خوشحالی و کنجکاوی به من نگاه می کردند یکی از آنها به سمت من برگشت و با لبخند گفت سلام اسمت چیه من تا آمدم جوابی بدهم با تذکر خانم بهزادی روبه رو شدم ک گفت همه به من توجه کنند با هم دیگه صحبت نکنید. نگاهی ب اطراف انداختم کلاسی کوچک با تعداد زیادی دانش آموز که کار معلم را سخت می کرد این زنگ ریاضی داشتند. خانم بهزادی از انها خواست تا تکالیف ریاضی شان را روی میز بگذارند و از نمایندگان کلاس خواست تا ببینند بچه ها تکالیف را انجام داده اند یا نه. سه دسته نیکمت در کلاس بود ک هر دسته نماینده مخصوص خود را داشت چون با این تعداد معلم کمبود زمان داشت ک تک تک تکالیف را خودش ببیند. بعد از آن تمرین ها را با کمک خود بچه ها حل کردند و زنگ اول این گونه گذشت. بچه ها از کلاس خارج شدند و من به همراه خانم بهزادی به دفتر استراحت معلمان رفتیم ک معلم های زیادی روی صندلی دور میزی نشسته بودند بعد از احوالپرسی با آنها نشستم و طولی نکشید ک زنگ خورد و دوباره به سمت کلاس رفتیم. در کلاس را ک معلم باز کرد بچه ها به نشانه احترام بلند شدند رفتم و همان جای قبلی نشستم خانم بهزادی به

بچه ها گفت گروهی بنشینند چون علوم دارند و باید آزمایش انجام دهند بچه هایی ک در یک نیمکت بودند صندلی هایشان را برعکس کردند و به سمت نیمکت پشتی نشستند. گروه هایشان ۴ نفره بود. آزمایش مخلوط ها را انجام دادند و با کمک معلم فعالیت هایشان را نوشتند. زنگ دوم نیز اینگونه گذشت و من هم مشغول یادداشت برداری بودم. هر زنگ کلاسی ۴۵ دقیقه بود و ۱۵ دقیقه زنگ تفریح بود.

زنگ بعدی مطالعات داشتند که دو نفر از بچه ها با کمک معلم بخشی از درس را تدریس کردند. این زنگ هنر داشتند بچه ها عاشق هنر بودند از چهره خوشحالشان میشد این را تشخیص داد. قرار بود نقاشی محله شان را بکشند ک هر کدام برگه ای روی میز گذاشتند و مشغول شدند معلم در این حین تکلیف چند نفر از دانش آموزان را خواست تا آنها را بررسی کند بعد از اتمام نقاشی. بچه ها نقاشی شان را در پوشه کارشان می گذاشتند و در همین حین چند نفرشان نقاشی شان را به من نشان دادند و من با خوشحالی و لحن خوب به آنها بازخورد میدادم ک چقد زیباست نقاشی شان. زنگ آخر پیام های آسمانی داشتند ک از قرار معلوم امتحان داشتند و بعضی از بچه ها اصلا آمادگی نداشتند و به یکدیگر می گفتند ک نخوانده اند واسترس دارند. معلم سوال می پرسید و از بچه ها میخواست اگر جواب سوال را می دانند بدون هیچ صحبت و شلوغی فقط دستشان را بالا بگیرند تا معلم اجازه صحبت به آنها بدهد. هر کدام ک جواب سوال معلم را میداد با تشویق معلم روبرو میشد و معلم داخل لیست کلاسی چیزی را یادداشت می کرد و میرفت سراغ سوال بعدی البته به بچه ها گوشزد کرد ک امتحان بعدی به این صورت نخواهد بود و از همه سوال پرسیده می شود و همه باید جواب دهند.

چند دقیقه پایانی کلاس را معلم صرف گفتن تکالیف امروزشان کرد و آنها را روی تابلو کلاس نوشت و عکسی از تکالیف گرفت و اعلام کرد ک داخل گروه می گذارد و گوشزد

کرد ک همه تکالیفشان را انجام دهند. بعد از آن معلم از بچه ها خواست تا دفتر کتاب.مداد و....را از روی میز جمع کنند و داخل کیفشان بگذارند تا زنگ بخورد و به خانه بروند. همین ک زنگ خورد بچه ها با عجله و خوشحالی به سرعت از کلاس خارج شدند به سمت معلم رفتم و با ایشان خداحافظی کردم و تشکر کردم از ایشان به خاطر پذیرفتن من در کلاس و صد البته برای برخورد خوبی که با من داشتند. به سمت طبقه پایین رفتم و منتظر ماندم تا دوستانم بیایند. به سمت حیاط ک رفتیم چون مدرسه دوشیفت بود پسران در حیاط مدرسه صف گرفته بودند برای برگزاری مراسم از حیاط مدرسه خارج شدیم و اسنپ گرفتیم کمی طول کشید تا اسنپ بیاید و آن هم به خاطر شلوغی و ترافیک آن موقع بود. بالاخره اسنپ رسید سوار شدیم و به سمت دانشگاه رفتیم و این گونه روز اول کارورزی من سپری شد .

گزارش روزانه ۱

ساعت ۷ بیدار شدم با دوستانم صبحانه خوردم و به سمت مدرسه رفتیم. امروز اولین روز کارورزی ما بود و استرس داشتیم. وقتی وارد شدیم به اتاق مدیر رفتیم و خودمان را معرفی کردیم، با یکی از معاونان به سمت کلاس ها رفتیم و ایشان یکی یکی ما را به کلاس ها فرستادند. بعد از احوال پرسی با معلم وارد کلاس شدم و آخر کلاس نشستم و با دقت فضای داخلی کلاس را نگاه کردم و هر آنچه را که میدیدم می نوشتم و در همین حین به صحبت های معلم نیز توجه میکردم. زنگ اول قرآن تدریس می کردند

ک من تقریباً وسط کلاس رسیدم زنگ دوم ریاضی، زنگ بعدی علوم، زنگ بعدی هدیه های آسمانی و زنگ آخر ورزش داشتند .

گزارش روزانه ۲

شب قبل چندین موضوع در ارتباط با تفاوت های یادگیری و انواع روش ها مطالعه کردم و صبح با انرژی از خواب بیدار شدم و با اسنپ ساعت ۱۳ به مدرسه رسیدیم . و بعد از امضای لیست حضور به کلاس رفتم . میدانستم موضوع این جلسه چیست و تمام هوشم به دانش آموزان و رفتار آنها و نحوه تدریس معلم بود . در زنگ تفریح با دانش آموزان صحبت کردم . از طرفی در روز های گذشته میدیدم که هنگامی که یک دانش آموز در نوشتن درس عقب میماند معلم میگفت از روی دوستت بنویس . با پرس و جو متوجه شدم که معلم دانش آموزان نسبتاً ضعیف را کنار دانش آموزان قوی نشانده تا در مواقعی مانند عقب ماندن از نوشتن وقت کلاس گرفته نشود . خیلی سعی کردم آن روز تدریس معلم را زیر نظر بگیرم تا بدانم آیا واقعا تفاوت های فردی را حین تدریس و ارزشیابی و ... در نظر میگیرد یا نه اما در کل زنگ ها تدریس یکنواخت و به صورت انتقال مستقیم بود . تمام مطالب را یادداشت کردم و این روز نیز گذشت

گزارش روزانه ۳

بعد از خوردن صبحانه با دوستانم سریع آماده شدیم و اسنپ گرفتیم . ساعت ۸ بود که رسیدیم جلو در مدرسه و رفتیم داخل مدرسه و بعد از امضا لیست به کلاس رفتیم . موضوع این روز بررسی نحوه ارزشیابی معلم سر کلاس بود . ارزشیابی آغازین در کلاس به ندرت انجام میگرفت و امروز نیز مانند جلسات قبل ارزشیابی آغازین نداشتیم . معلم بعد از آمدن به کلاس بدون توجه به برنامه گفت دفتر ریاضی را بیاورید و شروع به حل نمونه سوالات امتحانی کرد و همین روال تا پایان زنگ دوم ادامه یافت . زنگ سوم که جلسه معلمان بود و ما به داخل حیاط رفتیم و ادامه گزارش فیزیکی را نوشتیم . زنگ چهارم معلم بدون هیچ ارزشیابی شروع به تدریس درس علوم کرد و بعد از ۳۰ دقیقه و اتمام تدریس امتحانات تصحیح شده ی اجتماعی را به آنها داد تا به مادر یا پدرشان نشان دهند و بعد امضا کردن توسط آنها باز به معلم تحویل دهند . ارزش یابی به صورت نمره بود و در دفتر به صورت کیفی ثبت میشد . با به صدا آمدن زنگ مدرسه را ترک کردیم .

گزارش روزانه ۴

طبق روال جلسات قبلی ساعت ۱۳ به مدرسه رفته و ۵ به خوابگاه برگشتیم . اما میخواهم چند مورد از مواردی که در رابطه با موضوع امروز کارورزی هستند و در جلسات قبل اتفاق افتاده اند را ذکر کنم . معلم جلسه چهارم کارورزی بود که دعوت نامه هایی به همه دانش آموزان داد تا اولیا آنها جهت جلسه با معلم به مدرسه بیایند و

در برگه هایی که معلم موضوعاتی را طرح کرده بود در جلسه آماده کردن بودند به مواردی از جمله بهداشت . فضای مجازی . دوست یابی دانش آموزان . صبحانه خوردن . زود خوابیدن و ... اشاره شده بود . چون جلسه روز دوشنبه بود در جریان کم و کیف جلسه نبودم . و تاکید بسیار میشد بر این که اولیا حتما شرکت کنند . معلم تأکید داشت که برگه ها را حتما اولیا با خود بیاورند . سشنبه ها زیاد بحث های اجتماعی نداشتیم و بیشتر در تدریس ریاضی و علوم خلاصه میشد . اتفاق دیگر این روز این بود که برخی از دانش آموزان تکالیف ریاضی انجام نداده بودند و معلم آن ها را تنبیه کرد و قرار شد ۱۰ صفحه ریاضی را بنویسند چون قبلا هم تکالیف را انجام نداده بودند و معلم به آنها گوشزد کرده بود اما توجهی به حرف معلم نداشتند. و بقیه زنگ ها نیز با تدریس گذشت.

گزارش روزانه ۵

با حالت خواب آلودگی از خواب بیدار شدم چون شب دیر خوابیدم .بدون صبحانه خوردن سریع آماده شدیم و اسنپ گرفتیم .به مدرسه رفتیم نیم ساعتی از زنگ گذشته بود که دیگر سر کلاس نرفتیم تا وسط تدریس مزاحم دانش آموزان و معلم نشویم . داخل سالن مدرسه بودیم و تعداد کلاس های هر طبقه را شمردیم .این ک هر کلاس چه جایی قرار دارد و زنگ بعدی داخل حیاط رفتیم تا تکلیف مربوط به درس ورزش را انجام دهیم و ورزش بچه ها را تماشا کردیم .قرار بود یک کلیپ از نحوه ارزشیابی معلم ورزش و شیوه انجام ورزش توسط دانش آموزان بگیریم که با همکاری معلم ورزش و دانش آموزان انجام دادیم .زنگ بعدی سر کلاس رفتیم .این زنگ مطالعات

داشتند که تعدادی از بچه ها که از قبل گروه بندی شده بودند، این درس را ارائه دادند و زنگ آخر هنر بود که بچه ها با وسایل دور ریختنی کاردستی درست کردند و آنرا در پوشه کارشان گذاشتند .

گزارش روزانه ۶

امروز ساعت ۱۳ بود که معاون مدرسه من را به آموزگار کلاس پنجم ۳ معرفی کرد که کارورزی را با او سر کلاس بروم .بعد از احوال پرسی با آموزگار با هم راه افتادیم تا به کلاس برویم . کلاس طبقه دوم مدرسه انتهایی راه رو سمت چپ قرار داشت . آموزگار در کلاس را باز کرد و وارد شدیم ، دانش آموزان بلند شدند و به من و آموزگار سلام دادند . بچ پنج آنها بلند شد که داشتند راجب من صحبت می کردند . از معلم اجازه گرفتم و خودم رو معرفی کردم . آن زنگ هدیه های آسمانی داشتیم اما معلم طبق هماهنگی قبلی به بچه ها گفت که دفتر ریاضی در بیاورند و با هم ریاضی تمرین کنند چون زنگ بعدی امتحان ریاضی داشتند . من هم با کنجکاوی کلاس را نگاه میکردم از در و دیوار گرفته تا تخت و میز و دانش آموزان و اطلاعات کلاس را در ذهنم ثبت میکردم . زنگ دوم خیلی زود تر از آنچه فکر میکردم تمام شد و زنگ به صدا در آمد . دو اتفاق جالب در زنگ بعدی افتاد یکی از آنها دعوا بین دو دانش آموز بود . که یکی از آنها به شدت گریه میکرد و من هم که قبل معلم به کلاس رفتم ابتدا نمیدانستم که چگونه مدیریت کنم اما وقتی معلم آمد به آنها گفت که بروند پیش معاون مدرسه اما ناگهان گریه دانش آموز تمام شد و گفت اشکالی ندارد و سر جای خودش نشست و

مدیریت این صحنه برایم بسیار جالب بود . مورد بعدی دیر آمدن معلم بود که هدیه های آسمانی داشتیم ابتدا سعی کردم دانش آموزها را ساکت نگه دارم تا معلم بیاید اما رفته رفته به سر و صدای آنها افزوده میشد و به حرفم گوش نمیکردند که به فکرم رسید که باید آنها را مشغول کاری بکنم و گفتم کتاب هایتان را در بیاورید. کلاس کاملاً آرام شد و معلم سر کلاس آمد و گفت تلفنی مهم داشته و همین باعث شده با تاخیر به کلاس بیاید و این گونه گذشت .

گزارش روزانه ۷

امروز نیز طبق معمول ساعت ۸ به مدرسه رفتیم و قرار بود گزارش عاطفی را بنویسیم که ۳ زنگ اول را داخل حیاط، اتاق مدیر، اتاق معاونین بودیم تا برخورد و تعامل دانش آموزان با یکدیگر .معلمان با یکدیگر معاونان و مدیر را متوجه شویم گرچه از قبل نیز تا حدودی رفتار آنها را در زنگ تفریح .موقع ورود و خروج از مدرسه مورد بررسی قرار داده بودیم. ۲ زنگ آخر به کلاس رفتم وبا دقت بیشتری روابط معلم با دانش آموزان و دانش آموزان با یکدیگر را بررسی کردم گرچه در روز های دیگر نیز به این امر توجه کرده بودم و مطالبی را یادداشت کرده بودم .

گزارش روزانه ۸

امروز قرار بود از دانش آموزان آزمونی بگیریم که از قبل با معلم راهنما ها هماهنگ کرده بودیم . سوالهای آزمون را خودمان طراحی کرده بودیم .به کلاس که رفتیم قرار شد زنگ اول آزمون را بگیریم .زنگ دوم و سوم معلم برای دانش آموزان انیمیشن گذاشت که مربوط به درس فارسی بود .زنگ چهارم ، استاد راهنما به مدرسه مجاور آمده بودند که برای دیدن ایشان رفتیم و نکات مربوط به جمع آوری گزارش و ترتیب گزارش ها و.... را به ما گفتند .زنگ آخر به مدرسه برگشتیم تا تصاویری از قسمت های مختلف مدرسه گرفته و در گزارش ارائه دهیم.

-نتیجه گیری :

به طور کلی در آموزش و پرورش به هیچ تحول علمی یا نوآوری مطلوب نمی توان دست یافت مگر اینکه پیشاپیش در شیوه های کاری معلمان، به عنوان کارگزاران واقعی، تغییرات مناسب به وجود آید. (خروشی، ۱۳۹۴) و در جهت توانمند سازی معلمان به عنوان سربازان خط اول جبهه تربیت اقدامات مؤثری انجام شود. افزایش و توسعه شایستگی های حرفه ای دانشجومعلمان توسط دانشگاه فرهنگیان انجام می شود که مهم ترین اقدام در این زمینه برنامه های تمرین معلمی (کارورزی) است.

در کارورزی ۱ من و دوستانم تجربیات مفیدی به دست آوردیم، هم در زمینه تدریس و هم در زمینه کنترل کلاس و همچنین در زمینه ارتباط با کارکن مدرسه و...، در کارورزی ۱ واقعاً ما از استاد هم از دوستان و هم از مدیر محترم مدرسه و معاونین چیزهای بسیاری آموختیم، هر چند در زمینه تدریس چندان با روشهای تدریس که در طول چهار ترم خوانده بودم استفاده نشد ولی باعث شد، بفهمم استفاده از الگوهای جدید چقدر میتواند مفید باشد. این کارورزی که به پایان رسید امیدوارم در ترمهای آتی بتوانم بیش از آنچه آموخته ام، بیاموزم و دائم در حال کسب تجربه و دانش باشم .

و در آخر از تمام کسانی که همراه و راهنمای من بودند کمال تشکر و قدردانی دارم.

منابع

- ملکی، صغری؛ احمدی، غلامعلی؛ مهرمحمدی، محمود؛ امام جمعه، سید محمدرضا (۱۴۰۰) ارزیابی برنامه کارورزی دانشگاه فرهنگیان، مطالعات سیاست گذاری تربیت معلم
- علی محمدی، غلامعلی؛ جباری، نگین، نیازآذری، (۱۳۹۸) توانمندسازی حرفه ای معلمان در چشم انداز آینده و ارائه مدل، نشریه نوآوری های آموزشی
- تقی زاده، هدایت ا... (۱۴۰۰) آماده سازی معلمان و پیشرفت حرف های آنان در مراکز تربیت معلم با توجه به چالش های آینده، فصل نامه مطالعات کارورزی در تربیت معلم
- خروشی، پوران ۱۳۹۴. راهکارهای توسعه حرفه ای معلمان در کشورهای توسعه یافته با تأکید بر ضرورت توجه به آن در دانشگاه فرهنگیان، راهبردهای نوین تربیت معلمان،

مستندات



